



## چرا ایالات متحده و ناتو از مدت‌ها پیش می‌خواستند روسیه به اوکراین حمله کند؟

قدرتی توانست دیگر کشورهای غربی - و از آن مهم‌تر، شرکت‌های بین‌المللی غربی - را برای منزوی کردن یکی از کشورهای قدرتمند گروه ۲۰ و عضو سابق گروه ۸، گردهم آورد. نیروی بزرگ دیگر، جاه‌طلبی کشور روسیه برای تبدیل شدن به مرکز سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اوراسیا است. بدین ترتیب به خاطر تمرکز بر پوتین، جاه‌طلبی‌ها و تفکرات او این تلاش دیرینه روسیه به شکست انجامیده است. جین برینک استاد بازنشسته تاریخ و مطالعات روسی - اسلاوی دانشگاه نیویورک، به ما یادآوری می‌کند «از دهه ۱۹۹۰، روسیه طرح‌هایی برای اتحاد اوکراین و دیگر کشورهای جدا شده از شوروی و تأسیس ابرقدرتی فراقاره‌ای را در سری می‌پروراند است. تئوری احیاشده امپراطوری اوراسیا نیروی محرکه تمام حرکات پوتین است.»

درواقع بعد از فروپاشی امپراطوری روسیه در ۱۹۱۷، گروهی از متفکران روسی ایدئولوژی اوراسیاگرایی را بسط دادند. این ایده در دوران اتحاد جماهیر شوروی به حاشیه رفت، ولی در اواخر دهه ۱۹۸۰، هم‌زمان با دوره پرسترویکا جان تازه‌ای گرفت. این ایده نه تنها آمریکا، بلکه تمام جهان آتلانتیک را رقیب روسیه در «تقابل تمدن‌ها» می‌داند و ارتدوکس روسیه را شاکله جنگ ژئوپلیتیکی می‌بیند که در راه است. در دوران پوتین، مضامینی مانند شکوه امپراطوری و قربانی شدن غرب، در مرکز توجه کشور قرار گرفته است.

### ■ استراتژی ایالات متحده و ناتو

حالا که جاه‌طلبی‌های پوتین و دولت روسیه را به‌طور خلاصه بیان کردیم به استراتژی ایالات متحده و ناتو درباره اوکراین و روسیه بازمی‌گردیم. مقاله روشنگرانه «جو لوریا» انگیزه‌های پنهان ایالات متحده و ناتو در بحران اوکراین را به خوبی آشکار می‌کند: پایان دادن به رژیم پوتین و جایگزینی آن با دولتی که مطیع و دوست ایالات متحده باشد.

ایالات متحده سال‌ها برای استراتژی تغییر رژیم مسکو برنامه‌ریزی کرده است. در سال ۲۰۱۳ (یک سال پیش از سرنگونی یانوکویچ، رئیس جمهور اوکراین)، رئیس سازمان موقوفه ملی برای دموکراسی (ان‌ای‌دی) می‌نویسد: «اوکراین بزرگ‌ترین جایزه است.» او می‌گوید: اگر بتوانیم اوکراین را از روسیه جدا کنیم و به سمت غرب بیاوریم «پوتین نه تنها در همسایگی خود، بلکه داخل مرزهای روسیه نیز با شکست روبه‌رو می‌شود.»

شود و مردم روسیه آگاه شوند و بدانند پوتین برای آنها ارزشی قائل نیست. باید نشان دهیم نفس‌های پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور به شماره افتاده... قدرتش را از دست خواهد داد و نخواهد توانست جانشینی برای خود انتخاب کند.» در نهایت، در یک مارس سخنگوی بوریس جانسون گفت: «تحریم‌هایی که علیه روسیه اعمال می‌کنیم، تحریم‌هایی است که بخش بزرگی از جهان علیه روسیه اعمال می‌کنند و برای سرنگونی رژیم پوتین است.»

این اظهارات نشانگر استراتژی دیرینه ایالات متحده برای تغییر رژیم در مسکو، به محوریت اوکراین است. از یک سو، ارسال تجهیزات کافی نظامی و غیرنظامی به اوکراین برای فرو بردن ارتش روسیه در باتلاق و از سوی دیگر، اعمال تحریم‌های شدید و گسترده علیه روسیه به منظور ایجاد شکاف عمیق در صاحبان قدرت و کاهش شدید کیفیت زندگی قشر متوسط روسیه است. ترکیب این دو باید آن قدر طول بکشد تا مردم روسیه برای سرنگونی پوتین قیام کنند و رئیس‌جمهوری سرکار بیاید که مانند یلتسین مواضع نرمی نسبت به غرب داشته باشد. ولی این استراتژی سلاح و تحریم به بهانه‌ای نیاز داشت و تهاجم به اوکراین بهانه را برای شروع این استراتژی فراهم کرد. اینکه بگوییم کرملین در دام ایالات متحده و ناتو افتاده است به هیچ وجه به معنای مشروعیت بخشیدن به تهاجم روسیه و تاکتیک‌های مذبوم آن نیست.

### ■ تقابل دنیویرو بزرگ

رسانه‌های اصلی و «آزاد» ما این روایت را دنبال می‌کنند: «پوتین شورو و کینه‌توز» به «اوکراین بی‌گناه و متحد» حمله کرده «و این اولین قدم او برای تسخیر بخش‌های دیگر اروپای شرقی و مرکزی و احیای اتحاد جماهیر شوروی سابق است.»

بحران اوکراین نشانگر تقابل دنیویرو بزرگ است که نظم جهانی را شکل می‌دهند. یکی از این نیروها، ادعای دیرینه ایالات متحده درباره «برتری» یا «هژمونی» خود در مقابل بقیه کشورها است. پوتین و شی جین پینگ (به همراه بسیاری از کشورهای شرقی) معمولاً با خوشحالی از افول ایالات متحده و شکاف در اردوگاه غرب حرف می‌زنند، بخصوص بعد از بحران مالی آتلانتیک شمالی در سال ۲۰۰۸. آنچه پاسخ ایالات متحده و غرب به تهاجم روسیه را برجسته می‌کند، این است که ایالات متحده با چه

■ Robert H. Wade

■ استاد اقتصاد سیاسی و توسعه مدرسه اقتصاد لندن



THE LONDON SCHOOL OF ECONOMICS AND POLITICAL SCIENCE ■

تصمیم ولادیمیر پوتین برای حمله به اوکراین هزینه‌های زیادی برای روسیه به دنبال داشت، از یک سو روسیه هنوز موفق نشده به اهداف نظامی خود برسد و از سوی دیگر تحریم‌های بی‌سابقه غرب، اقتصاد روسیه را تحت فشار قرار داده‌اند. نمی‌توان به هیچ وجه تهاجم روسیه را توجیه کرد، اما کرملین عملاً در دامی افتاد که ایالات متحده و ناتو برای سرنگونی رژیم پوتین پهن کرده‌اند. بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، ۲۶ مارس در سخنانی برنامه‌ریزی نشده در شهر ورشو گفت: «صادقانه می‌گویم، این مرد [پوتین] نباید در قدرت بماند.» بیان آشکار نیت آمریکا برای تغییر رژیم روسیه به مذاق بیشتر کشورهای اروپایی خوش نیامد. کمی بعد، آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه ایالات متحده تلاش کرد از سخنان بایدن در ورشو ایهام‌زدایی کند: «همان‌طور که می‌دانید بارها تکرار کرده‌ایم ما هیچ برنامه‌ای برای تغییر رژیم در روسیه یا هیچ جای دیگر دنیا نداریم.» ظاهراً بلینکن ویتنام، شیلی، عراق، افغانستان و چند کشور دیگر را فراموش کرده است.

به نقل قول‌هایی که در ادامه می‌آید توجه کنید. در ۲۴ فوریه، درست در اولین روز حمله روسیه به اوکراین، بایدن در کنفرانس خبری کاخ سفید اعلام کرد تحریم‌ها برای جلوگیری از تهاجم طراحی نشده‌اند، بلکه برای تنبیه روسیه هستند (... تا مردم روسیه بدانند پوتین چه بلایی بر سر آنها آورده است. هدف تحریم‌ها، این است.)

جیمز هیپی وزیر نیروهای مسلح بریتانیا، در شماره ۲۷ فوریه دیلی تلگراف می‌نویسد: «پوتین باید به‌طور کامل شکست بخورد، حاکمیت اوکراین احیا